

سه برادر غیرتی!

محسن احمدی

«تکلیف» دستوری است که خدا به ما داده است، گاهی دستور داده که یک کار را انجام دهیم، گاهی هم می‌گوید که کاری را ترک کنیم، گاهی هم می‌گوید که انجام کاری بهتر است و... به کسی هم که تکلیف برعهده‌اش می‌آید به اصطلاح «مکلف» می‌گویند.

تکلیف مثل یک عروس است که می‌خواهد برود منزل داماد که همان «آدم مکلف» است اما این عروس سه تا برادر غیرتی دارد که جلوی ماشین داماد را گرفته‌اند و شرط کرده‌اند که تا آقادماد شرط مورد نظرشان را نداشته باشد، اجازه نمی‌دهند عروس خانم پیاده شوند؛ البته پدر و مادر این عروس خانم هم برای خودشان شرط داشتند، اما یک شرط آسان. آن‌ها شرطشان فقط تکلیف بوده؛ یعنی می‌گفتند که آقادماد باید به سن شرعی رسیده باشد؛ یعنی بالغ باشد، همین و بس.

اما حالا ببینیم که حرف حساب این سه تا برادر غیرتی چیست؟!

در دین ما هر تکلیف سه شرط اولیه دارد. هر کدام از این سه شرط هم که نباشد تکلیف بر گردن آدم نمی‌آید. پس این که تکلیف داریم یا نه، بستگی به بودن این سه شرط است. آن هم با هم، مثل همان سه برادر غیرتی که همیشه همراه خواهرشان

هستند و هیچ وقت او را تنها نمی‌گذارند. برادر اول اسمش «عقل» است؛ البته چون اسم برادر آدم عقل نمی‌شود، ما اسمش را می‌گذاریم عقیل. حالا حرف حساب این عقیل چیست؟ عقیل می‌گوید برای تکلیف، من هم باید باشم و الا اگر من نباشم، تکلیف هم باید برود عقل نباشد می‌شود چی؟ می‌شود دیوانگی! پس این طوری است که می‌گویند دیوانه، تکلیفی ندارد چون عقل که داداش غیرتی تکلیف است حاضر نیست و عروسی به خودی خود به هم می‌خورد. شنیده‌اید که می‌گویند «بر دیوانه خرجی نیست»؟ این یعنی این که آدم دیوانه، حکم شرعی ندارد؛ بنابراین اگر دیدید که یک دیوانه وسط ظهر ماه رمضان نشسته است و غذا می‌خورد اشکال نگیرید چرا که تکلیف روزه داشتن برای عاقل‌ها آمده نه برای دیوانه‌ها. برادر دوم اسمش «قدرت» است. جذبه برادر اولی به این یکی هم سرایت کرده، حسابی هم غیرتی است. حالا قدرت چه می‌گوید؟ قدرت هم همان حرف عقیل را می‌زند می‌گوید که تا من نباشم تکلیف حق ندارد برود خانه بخت. اصلاً اول من باید باشم و بعد تکلیف. حالا در مقابل قدرت چی قرار گرفته؟ بله درست حدس زدید: ضعف و ناتوانی. پس آیا آدم‌های ضعیف، تکلیف ندارند؟ تقریباً این طور است، چرا تقریباً؟ چون اول باید بدانیم قدرت این جا به چه معنا است. قدرت این جا

یعنی توانایی، و کسی که قدرت دارد یعنی کسی که توانایی انجام تکلیف را دارد اما کسی که توانایی انجام تکلیف را ندارد از دایره تکلیف خارج می‌شود. چرا؟ چون نمی‌تواند! مثلاً حج بر کسی واجب می‌شود که بتواند به حج برود. بتواند یعنی این که هم پولش را داشته باشد و هم راه باز باشد و... در نتیجه کسی که نمی‌تواند حج برود چون پول ندارد یا چون راه مکه بسته است، تکلیف حج هم بر عهده او نمی‌آید. یک مثال دیگر هم این که کسی که قدرت بر روزه گرفتن ندارد نباید روزه بگیرد و چون نمی‌تواند روزه بگیرد اگر هم خودش را مجبور کرد و روزه گرفت، روزه‌اش صحیح نیست؛ چون به شرط توجه نکرده است. حالا چه‌طور بفهمیم یک نفر قدرت دارد یا نه؟ در مسائل مختلف، حدود و مرزهای این قدرت، فرق دارد که باید به رساله توضیح المسائل رجوع بشود.

اما برادر سوم جناب آقای اختیار است. باز از آن جا که اختیار یک اسم مردانه نیست و عروس خانم هم دوست ندارند اسم داداش ایشان اختیار باشد ما اسمش را می‌گذاریم مختار! حالا حرف این مختار چیست؟

مختار هم می‌گوید که تکلیف، وقتی می‌تواند بیاید که من هم باشم! یعنی فرد موردنظر باید اختیار داشته باشد؛ یعنی مجبور نباشد. چون اگر مجبور باشد که دیگر معنا و ارزشی ندارد که کاری را انجام بدهد. کار باید از حرکت خود آدم باشد. مختار

می‌گوید ما عروس به جماعت بی‌اختیار نمی‌دهیم و خلاص! خب حالا چه کسی مجبور است؟ گفتیم که تکلیف هم به عمل واجب می‌گویند و هم به عمل حرام. برای روزهدار فرو کردن تمام سر در داخل آب حرام است و روزه‌اش را هم باطل می‌کند اما اگر چند نفر یک کسی را مجبور کنند که خودش سرش را زیر آب کند یا آن که به زور سرش را زیر آب کنند، روزه طرف باطل نمی‌شود. چرا؟ چون خودش آن کار را نکرد. چون مجبور بوده و چون مختار نبوده! ما هم گفتیم که مختار می‌گوید اگر من نباشم، تکلیف هم نیست!

اما فکر نکنید که ماجرای «تکلیف خانم» که عروس و «آقا مکلف» که شاه داماد ما هستند و این سه برادر غیرتی به دعا و خون و خون‌ریزی می‌رسد نه! این سه برادر خیلی هم مهربان هستند فقط چون عروس خانم را خیلی دوست دارند، شرط گذاشتند که تا آن‌ها نباشند عروسی بی‌عروسی، منطق هم همین را می‌گوید. مگر می‌شود برادری در عروسی خواهرش نباشد؟ آن وقت مردم چی می‌گویند؟ اکثر مواقع هم که هر سه تایشان هستند و عروسی هم به سلامتی برگزار می‌شود. اگر هم یکی از این‌ها نباشد عروسی کلاً به هم نمی‌خورد. بلکه چند وقتی به تأخیر می‌افتد تا آن یکی برادر هم حاضر شود و هر سه برادر راضی و خوشحال عروس را بفرستند منزل آقا داماد.

حالا یک سؤال دیگر. آیا مسلمان بودن شرط

نیست؟ یعنی این سه برادر و پدر و مادرشان شرط نکردند که آقا داماد مسلمان باشد؟ مگر تکلیف به غیرمسلمان هم می‌رسد؟ جواب این سؤال کمی حرفه‌ای است ولی اگر سرپیسته بخواهیم بگوییم این می‌شود که خیر، مسلمان بودن برای این عروسی شرط نیست و طبق نظر شیعه، هم مسلمان مکلف است و هم کافر. فرق این دو، جای دیگری است اما در این جا هر دویشان می‌توانند بیایند خواستگاری و در صورت موافقت برادران و خانواده، جواب مثبت را بگیرند و عروس را به خانه ببرند.